

فوتبال اردبیل و آغاز رقابت های لیگ یک آزادگان

رقابت های لیگ دسته یک باشگاه های کشور امروز با انجام 9 بازی آغاز می شود. این خبر مانند پاشیدن نمک بر روی یک زخم است برای فوتبال دوستان اردبیلی. دردآور و غیر قابل تحمل برای فوتبالی ها و هواداران فوتبال این منطقه.

با اعلام خبر آغاز رقابت های لیگ یک مطمئنا هواداران صادق فوتبال اردبیل به یاد می آورند روزی را که در فصل 93-94 تیم شهرداری اردبیل برای اولین بار در رقابت های لیگ یک به مربیگری مرد بزرگ و نام آوری چون حاج مهدی دینورزاده در تاریخ 12 مهرماه سال 93 در ساعت 15 و 15 دقیقه در ورزشگاه شهید نصیری یزد در مقابل تیم لوله آن شهر صف آرای کرد. هواداران اردبیلی برای اطلاع یافتن از نتیجه آن دیدار به منظور محکم برداشته شدن قدم اول لحظه شماری می کردند و اگر حافظه نگارنده یاری نماید با پیروزی دو بر یک شهرداری در اولین هفته نگرانی ها و دلهره ها تبدیل به امیدواری گردید.

پخش گسترده خبر آغاز رقابت های لیگ یک علاقه مندان به فوتبال اردبیل را به روزهایی می برد که بیش از 10 هزار تماشاگر مشتاق و پرشور در ورزشگاه تختی حضور می یافتند و یک دل و یک صدا تیم شهرداری را مورد تشویق قرار می دادند و مسؤولین وقت نیز با هندوانه ای در بغل و لبخندی ملیح بر لب در جایگاه ورزشگاه و حتی در مستطیل سبز حضور پیدا کرده و برای تماشاگران دست بلند نموده و آنها را مجبور به تشویق خود و دوستانشان میکردند.

افسوس که تماشاگران و دوستداران فوتبال را برخی ها و یا جمعی نتوانستند تحمل بکنند و آن شور و نشاط و شادمانی را برای جوانان منطقه زیادی ارزیابی کردند و به یکباره صفحات حمایت و پشتیبانی را ورق زدند و آن را به ناامیدی و یاس و خالی کردن زیر پای تیم تبدیل نمودند.

سرگردانی، سردرگمی و دربدری سزاوار فوتبال اردبیل نمی تواند باشد. بهترین و بالاترین موقعیت ها را از دست دادیم تا امروز کاسه گدایی در دست بگیریم و بر در خانه و محل کار افراد مختلف

خیمه بزیم و التماس بکنیم تا نیم نگاهی به فوتبال اردبیل داشته باشند. کاری کردیم که امروز فوتبال را به صحنه زورآزمایی ها، تهمت زنی ها و فرصت طلبی ها و باند بازی ها تبدیل بکنیم و یاد و اثری از آن روزهای خوش برجای نگذاریم.

فوتبال اردبیل شایسته بهترین ها می باشد. هرچند که در محدوده داخلی آن اختلاف نظرها و سوءتعبیرها را بیشتر و بالاتر از دیگر نقاط کشور شاهد بوده باشیم ولی با بهره بردن از پیشینه پرافتخار، شایستگی و لیاقت رسیدن به روزهای خوش را دارد و تحقق این عمل، شرط و شروطی را طلب می کند که باید برای رسیدن به آن زمینه فراهم شود و افرادی عاشق، کاربلد و متواضع و کارنامه دار به کار دعوت شوند و مورد حمایت قرار بگیرند.

این که در استانی با استعداد های درخشان، تیم فوتبال آن از دسته یک به دسته سوم سقوطی آزاد و سهمگین داشته باشد آیا قابل بررسی و آسیب شناسی دقیق و علمی نیست؟ این که چگونه در اولین فصل حضور در لیگ یک با چند شکست مریب بزرگی را که با تبلیغات وسیع به اردبیل آورده بودند به یکباره کنار می گذارند و یا در دومین فصل وقتی تصمیم به برکناری محمد ربیعی گرفته می شود هیچ دلیل و مدرکی را برای ابقای وی نمی پذیرند، آیا کار از یک جا ایراد نداشت؟

در بحث نابودی فوتبال اردبیل هر فرد و ارگان و عنوان داری می تواند با بهره گیری از درصدی معین مقصر قلمداد شود. از زمانی که شهرداری مسافر دسته سوم شناخته شد تا به امروز جمع فوتبالی های اردبیلی برای احقاق حق کار مؤثری انجام ندادند تا جایی که در اثر رفتارهای غیر متعارف باز فرصت ابراز وجود به برخی ها فراهم شده که همچنان در اندیشه آقای بر فوتبال منطقه را در سر به پرورانند.

فوتبال اردبیل به حال و روزی افتاده است که در فرصت کم باقیمانده برای آغاز رقابت های لیگ دو و سه تکلیف نماینده آن مشخص نیست؟ آیا نمی تواند جای سؤال داشته باشد که شهرداری چون لطف الهیان چرا در جریان حضور تیم در لیگ دسته یک مدام از حمایت حرف می زد و رسیدگی به امور آن و رفع مشکلاتش را واجب و ضروری می شمرد به یکباره پشت تیم را خالی نموده و هوادار پر و پا قرص واگذاری امتیاز تیم می شود؟ آیا نباید مشخص گردد که چرا بعد از استیضاح شهردار و برگشت آن به شهرداری نظرها در مجموعه

شهرداری نسبت به تیم 360 درجه چرخش نشان داد و آیا نباید علت رفتارهای دوگانه و چگونگی آن شفاف سازی شود؟

آیا نباید بررسی شود که چرا فرماندار اردبیل که در روزهای خوش فوتبال یکی از هواداران مشتاق بود به ناگاه به تیم پشت کرد و در روزهای ناخوشی یادی از آن نکرد و اظهار نظری ننمود؟ آیا نباید روشن شود که اگر شورای شهری ها تصمیم به واگذاری و دفع بلای تیم از مجموعه شهرداری و شورا گرفته بودند چرا و چگونه دوباره در اطراف تیم آفتابی شدند و اگر این کار امکان پذیر بود چرا از اول فصل در رقابت های لیگ دو این کار را انجام ندادند؟ آیا جای سؤال ندارد که چگونه شورای شهر بدون بررسی جوانب امر بر رای کمیته تشخیص مصلحت قلم قرمز کشید و سفته را جایگزین ضمانت نامه بانگی کرد تا فوتبال اردبیل به وضعیت فعلی مبتلا شود؟ آیا نباید سؤال کرد که چرا آنهایی که تا سهم خود از بلیط فروشی را نگرفتند اجازه ورود رایگان تماشاگران به ورزشگاه را صادر نکردند و بعد از گذشت زمانی دایه مهربان تر از مادر شدند؟

به هر حال این قصه سر دراز دارد ولی آنچه زجرآور و چون سهمی مهلک و کشنده و از پای درآورنده است جای خالی فوتبال اردبیل در لیگ دسته یک و دو می باشد. تا فرصتی باقی است باید آنهایی که در سرنوشت تلخ شهرداری اردبیل نقش مهم و اساسی بر عهده داشتند نسبت به جبران اشتباهات خود اقدام نمایند و مسلماً نقش برخی از مسؤولین چون استاندار ، فرماندار ، مدیرکل ورزش و جوانان ، شهردار و شورای شهر در این ارتباط مهم و کلیدی است و امید می رود این ها فرصت باقیمانده را از دست ندهند و برای فوتبال باشگاهی اردبیل و نماینده آن یعنی تیم شهرداری فکر اساسی در کم ترین زمان ممکن بکنند.

اگر مسؤولین ما بپذیرند و با تمام وجود قبول بکنند که در کنار پروژه ها و فعالیت های عمرانی ، جوانان اردبیلی نیاز به برنامه های شورآفرین دارند به رفع مشکلات فوتبال این شهر نیز باید اهمیتی به مانند پل های روگذر و زیرگذر ، آسفالت معابر و گذرگاهها و در نهایت مگا پروژه های مورد ادعا قائل باشند.